

مهدی فخیمزاده:

# ذات سینما عادلانہ نیست!



**گروه سینما:** جای خالی بعضی از آدم‌ها به سرعت پر می‌شود؛ آدم‌های بی‌تأثیری که نشان و ردی ندارند و کاری که انجام می‌دهند از عهده خیلی‌ها برمی‌آید. مهدی فخیمزاده در سینما و در تلویزیون یکی از همان تکرارنشده‌هایی است که جایش سخت پر می‌شود. هر کسی نمی‌تواند شبیه او یک مجموعه پلیسی خیابان خلوت کن بسازد یا قطعا کسی نمی‌تواند مانند او معتمد عده کثیری از اهالی سینما باشد، یا حتی شبیه او تدریس کرده و باز یگر تربیت کند. بهانه ما برای مصاحبه با او، اکران «مشت آخر» بود که در نمایش مهجور ماند، اما از باب‌های مختلف با آقای فخیمزاده حرف زدیم که سخت راضی به گفت‌وگو می‌شود اما همیشه حرف‌های شنیدنی برای گفتن دارد.



این نوع قصه‌گویی را می‌پسندم چون احساس می‌کنم آن را بلد هستم و همیشه هم مخاطب دارد. من فیلمسازی هستم که در بخش خصوصی کار می‌کنم و باید سرمایه فیلم را از طریق جذب سرمایه‌گذار خصوصی پیدا کنم، پس اگر فیلم مورد استقبال مخاطب قرار نگیرد، آن منبع کور می‌شود

شما ریسک بزرگی کردید که می‌توان آن را به نفع سینما دانست و آن ریسک این است که شخصیت اصلی فیلمتان را شخصیتی جوان قرار ندادید؛ کاری که در سینمای جهان کسی مثل اسکور سیزی یا دیگر کارگردانان انجام می‌دهند؛ حتی اگر به ضرر گیشه باشد. چطور شد به این نتیجه رسیدید که خودتان در نقش قهرمان قصه‌تان ظاهر شوید؟

قبلش بگذارید بگویم که حالا دیگر سینمای مادر شرایطی به سر می‌برد که حتی وقتی از جوانان ستاره هم در فیلم‌ها استفاده می‌شود، باز هم ممکن است فیلم‌ها مورد استقبال قرار نگیرند، چراکه این روزها بیشتر از یک سینمای خاص یا حتی خیلی لوده استقبال می‌شود و وضعیت فروش ناامیدکننده است. چند وقت پیش که یکی از تهیه‌کنندگان آماری از فیلم‌های اکران شده می‌داد، می‌گفت تنها ۳ فیلم توانسته در مدت اخیر مخاطب را جذب کند. اما درباره قصه باید بگویم که من اصلا به این مساله فکر نکرده بودم و قصه فیلم را از خیلی وقت پیش در ذهن داشتم و به نظرم در «مشت آخر» تضاد جالبی وجود داشت؛ پیرمردی که به‌رغم داشتن ظاهر فر توت، قدرت بدنی خودش را حفظ کرده و از آن استفاده می‌کند. من به این فکر نکردم فیلمی بسازم که قهرمانش پیرمرد باشد، بلکه چون این شخصیت داستان برایم جذاب بود و احساس کردم برای تماشاچی هم جذاب است، دست به کارگردانی و ساخت آن زدم.

اولویت شما در تمام این سال‌ها سینمای کلاسیک داستان گو بوده و شکل نگارش فیلم‌نامه‌ای که روایتی خطی با نقطه اوج و فرود دارد و قهرمان و شخصیت منفی هم دارد، همیشه مطبوع شما بوده است. این علاقه به این دلیل است که در نسل شما فیلمسازان به همین روال پیش می‌رفتند و آثار درخشان می‌ساختند یا اینکه شما این فرم قصه‌گویی را بیشتر می‌پسندید؟

این نوع قصه‌گویی را می‌پسندم چون احساس می‌کنم آن را بلد هستم و همیشه هم مخاطب دارد. من فیلمسازی هستم که در بخش خصوصی کار می‌کنم و باید سرمایه فیلم را از طریق جذب سرمایه‌گذار خصوصی پیدا کنم، پس اگر فیلم مورد استقبال مخاطب قرار نگیرد، آن منبع کور می‌شود. ممکن است هدف کسی که با سرمایه‌گذار دولتی کار می‌کند، در نهایت رضایت آن سرمایه‌گذار باشد اما من که از طریق بخش خصوصی فعالیت می‌کنم باید سرمایه‌گذار خوب پیدا کنم؛ بنابراین همیشه به استقبال تماشاچی فکر می‌کنم و به نظرم این قصه با این فرم روایت توانایی جذب تماشاچی را داشت.

در انتخاب باز یگر جووری عمل کردید که فیلم خالی از ستاره ضامن گیشه است و ما که مهدی فخیمزاده را می‌شناسیم می‌دانیم که این کار را با هدف انجام

